

# فیض عظیم خدا

(نامه پولس به رومیان)

نامه پولس بنده عیسای مسیح و رسولی که خدا برای بشارت انجیل برگزیده و فرا خوانده است. خدا انجیل را مدت‌ها پیش به وسیله پیامبران خود در کتاب مقدس وعده داد. این انجیل درباره پسر او خداوند ما عیسای مسیح است که از لحاظ انسانیت یکی از فرزندان داوود بود و با زنده شدنش پس از مرگ با قدرتی عظیم ثابت نمود که از لحاظ قدوسیت خدایی، او پسر خداست. خدا به وسیله مسیح به ما فیض عطا فرمود تا رسولان او باشیم و همه ملت‌ها را به ایمان اطاعت مسیح هدایت کنیم. این همچنین شامل حال شما رومیان است که خدا شما را دعوت فرمود تا از آن عیسای مسیح شوید. من این نامه را به همه شما محبوبان خدا در روم که به این مقام مقدس خوانده شده‌اید می‌نویسم.

### دعای شکر گزاری

خدا، پدر ما و عیسای مسیح خداوند به شما فیض و آرامش عنایت فرمایند. قبل از هر چیز خدای خود به وساطت عیسای مسیح برای همه شما شکر می‌کنم، زیرا ایمان شما در تمام دنیا شهرت یافته است. خدا آن خدایی که او را با اعلام انجیل درباره پسرش از دل و جان خدمت می‌نماییم، شاهد است که همیشه در وقت دعا شما را به یاد می‌آورم و درخواست می‌کنم که در صورت امکان اگر خدا بخواهد بالاخره به دیدن شما موفق شوم، زیرا بسیار آرزومندم که شما را ببینم تا از برکتی روحانی شما را بهره‌مند ساخته تقویت نمایم. مقصودم آن است به وسیله ایمان دو جانبه، حامی هم دیگر باشیم، شما به وسیله ایمان من و من به وسیله ایمان شما. ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید که بارها قصد داشتم نزد شما بیایم، اما همیشه چیزی من را از انجام آن باز داشته است. من خواسته‌ام همانطوری که در میان ملت‌های دیگر ثمری یافتم در میان شما نیز بیابم، زیرا من در قبال همه از متمدنین گرفته تا وحشیان، از روشنفکران گرفته تا نادانان دینی به گردن دارم. بنابراین اشتیاق دارم که به قدر توانایی خود انجیل را به شما نیز در روم بسر می‌برید اعلام نمایم.

### قدرت انجیل

زیرا من از انجیل خجل نیستم از آنرو که انجیل، قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد. اول یهودیان و سپس غیریهودیان، زیرا انجیل نشان می‌دهد که خدا چگونه آدمیان را کاملاً نیک می‌شمارد و این پایه ایمان بر ایمان بنا شده است چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: مرد نیکو به وسیله ایمان خواهد زیست.

### گناه بشر

غضب خدا از آسمان بر هر گناه و شرارت مردمی نازل می‌شود که زندگی شرارت‌آمیزشان مانع شناسایی حقیقت است. خدا آنان را مجازات می‌کند و این کار برحق است، زیرا آنچه آدمیان درباره خدا می‌توانند بدانند، بر آنها آشکار است، زیرا خدا آن را در پیش چشمان ایشان قرار داده است. از زمان آفرینش دنیا صفات نادیدنی او یعنی قدرت ازلی و الوهیت او در چیزهایی که او آفریده است به روشنی مشاهده می‌شود و از اینرو آنها ابداً عذری ندارند. گرچه آنها خدا را شناختند، ولی آنطوری که شایسته اوست از او تکریم و تشکر نکردند. در عوض افکارشان کاملاً پوچ گشته و عقل ناقص آنها تیره شده است. در حالی که ادعای حکمت می‌کنند نشان می‌دهند که نادان هستند. آنها جلال خدای جاودان را به بت‌هایی شبیه انسان فانی و پرندگان و چهارپایان و خزندگان تبدیل کردند. به این جهت خدا ایشان را به شهوات و هوس‌های خودشان در ناپاکی واگذاشت که با یکدیگر تبدیل بدن‌های خود را ننگین سازند. آنان حقیقت خدا را به دروغ تبدیل کردند و آفریده‌های خدا را به عوض خود آفریدگار پرستیدند، آفریدگاری که تا ابد شایسته ستایش است. لذا خدا آدمیان را تسلیم شهوات ننگین خودشان کرده است. حتی زنان روابط طبیعی جنسی را به آن چه غیرطبیعی را با زنان ترک نمودند و در آتش شهوت برای همجنسان خود سوختند.

مردان مرتکب اعمال زشت و ننگین با مردان دیگر شدند و در وجود خودشان مجازاتی را که درخور چنین خلافتکاری است دیدند، چون آنها خداشناسی را امری ناچیز شمردند خدا آنها را امری ناچیز شمردند خدا آنها را تسلیم افکار فاسدشان نمود تا اعمال زشت و ناشایست بجا آوردند. آنها از انواع شرارت و بدی و طمع و بدخواهی و همچنین از حسادت و آدمکشی و نزاع و فریبکاری و سؤنیت پر هستند. آنها شایعه می‌سازند و از یکدیگر بدگویی می‌کنند، از خدا نفرت دارند، گستاخ و متکبر و لافزن و سازنده بدی‌ها هستند و از والدین خود سرپیچی می‌کنند. بی‌فهم و بی‌وفا

و بی عاطفه و بی رحمند و با وجود اینکه فرمان خدا را می‌دانند که مجریان چنین کارها مستوجب مرگند، ولی نه فقط خودشان این کارها را می‌کنند، بلکه دیگران را نیز در انجام آنها تشویق می‌کنند.

### خشم و غضب الهی

و اما ای آدمی، تو کیستی که درباره دیگران قضاوت می‌کنی؟ هر که باشی هیچگونه عذری نداری، زیرا وقتی تو دیگران را محکوم می‌کنی و در عین حال همان کاری را که آنها انجام می‌دهند انجام می‌دهی، خودت را محکوم می‌کنی. ما می‌دانیم وقتی خدا اشخاصی را که چنین اعمالی می‌کنند محکوم می‌کند حق دارد. آیا تو گمان می‌کنی که با محکوم کردن دیگران از کیفر خواهی خواست در حالی که همان کارها را انجام می‌دهی؟ آیا فراوانی مهر و بردباری و صبر خدا را ناچیز می‌شماری؟ مگر نمی‌دانی که منظور مهربانی خدا این است که تو را به توبه راهنمایی فرماید؟ با سختدلی و بی میلی خود نسبت به توبه، عقوبت خود را تا روز ظهور غضب خدا و داوری عادلانه او پیوسته شدیدتر می‌سازی، زیرا خدا به هر کس برحسب اعمالی که کرده است پاداش یا کیفر خواهد داد. بعضی افراد نیکی را دنبال می‌کنند و در جستجوی عزت و شرف و حیات فنا ناپذیر هستند، به آنان خدا حیات جاودانی خواهد داد. بعضی افراد خودخواه هستند و حقیقت را رد می‌کنند و به دنبال ناراستی می‌روند، آنها مورد خشم و غضب خدا قرار می‌گیرند.

برای همه آدمیانی که بدی را بجا می‌آورند مصیبت و پریشانی خواهد بود، اول برای یهودیان و سپس برای غیریهودیان، اما خدا به کسانی که نیکوکاری نمایند عزت و شرف و آرامش خواهد بخشید، اول به یهودیان و سپس به غیریهودیان، زیرا خدا تبعیضی بین این و آن قائل نمی‌شود. همه آنانی که بدون داشتن شریعت موسی گناه می‌کنند، بدون شریعت هلاک می‌شوند و همه آنانی که تحت شریعت هستند و گناه می‌کنند به وسیله شریعت محکوم می‌شوند، زیرا تنها شنیدن احکام شریعت هیچ کس را در حضور خدا کاملاً نیک نمی‌سازد، بلکه مجریان شریعتند که نیک شمرده می‌شوند. هرگاه غیریهودیان که دارای شریعت موسی نیستند احکام شریعت را طبیعتاً انجام می‌دهند معلوم است که شریعت آنان خودشانند - با وجود اینکه شریعت کتبی ندارند، رفتارشان نشان می‌دهد که مقررات شریعت در قلب‌هایشان نوشته شده و وجدان‌های ایشان نیز درستی این را تأیید می‌کند، زیرا افکارشان یا آنها را متهم می‌کند و یا از آنها دفاع می‌نماید. طبق بشارتی که من می‌دهم در روزی که خدا به وسیله عیسی مسیح همه افکار پنهانی دل‌های آدمیان را یادآوری می‌کند این کار انجام خواهد گرفت.

### یهودیان و شریعت

اما اگر تو خود را یهودی می‌نامی و به شریعت متکی هستی و از اینکه خدا را می‌شناسی به خود می‌بالی و اراده او را می‌دانی و به سبب اینکه در شریعت تربیت شده‌ای چیزهای عالی را ترجیح می‌دهی و خاطر جمع هستی که راهنمای کوران و نور ساکنان تاریکی و معلم نادانان و آموزگار کودکان می‌باشی و صاحب شریعت هستی که مظهر معرفت و حقیقت است. پس تو که دیگران را تعلیم می‌دهی چرا خود را تعلیم نمی‌دهی؟ تو که موعظه می‌کنی دزدی نباید کرد آیا خودت دزدی نمی‌کنی؟ تو که می‌گویی زنا نکن آیا خودت زنا نمی‌کنی؟ تو که از بت‌ها نفرت داری آیا معبدها را غارت نمی‌کنی؟ تو که به شریعت فخر می‌کنی آیا با شکستن شریعت نسبت به خدا بی‌حرمتی نمی‌کنی. چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: «به سبب شما یهودیان، مردمان غیریهود نام خدا را بی‌حرمت می‌سازند.» چنانچه از شریعت اطاعت کنی ختنه تو ارزش دارد، اما اگر از شریعت سرپیچی نمایی مثل این است که اصلاً ختنه نشده‌ای.

اگر یک غیریهود که ختنه نشده است از فرمان‌های شریعت اطاعت نماید آیا خدا او را ختنه شده به حساب نخواهد آورد؟ و شخصی که جسماً ختنه نشده است، ولی احکام شریعت را انجام می‌دهد تو را که با وجود داشتن کتاب و نشانه ختنه از شریعت تجاوز می‌کنی محکوم خواهد ساخت، زیرا یهود حقیقی کسی نیست که ظاهراً یهود باشد و ختنه واقعی تنها یک عمل جسمانی نیست، بلکه یهودی واقعی شخصی است که از باطن یهودی باشد؛ یعنی قلبش ختنه شده باشد و این نیز کار روح خداست، نه کار شریعت مکتوب. ستایش چنین شخص از خداست نه از انسان. پس یهودیان چه مزیتی بر غیریهودیان دارند؟ یا ختنه چه ارزشی دارد؟ البته از هر لحاظ ارزش فراوان دارد، اول آنکه خدا پیام خود را به یهودیان سپرد، اما اگر بعضی از آنها آمین نبودند آیا بی‌وفایی آنها وفاداری خدا را باطل می‌سازد؟ به هیچ وجه! حتی اگر همه انسان‌ها دروغگو باشند خدا راستگوست، چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: «راستگویی تو باید در سخن گفتن معلوم و حقانیت تو در محاکمه ثابت شود.»

اما اگر شرارت ما نیکی مطلق خدا را بیشتر آشکار می سازد چه بگوییم؟ آیا می توانیم بگوییم که هر گاه خدا ما را مجازات می کند بی انصافی می کند؟ (مثل آدمیان سخن می گویم). به هیچ وجه! اگر خدا عادل نباشد چطور می تواند دنیا را یادآوری کند؟ اما اگر دروغ من در مقابل راستی خدا جلال او را بیشتر آشکار می کند چرا باز هم به عنوان یک گناهکار محکوم می شوم؟ پس چرا نگوییم: «بیا بدی کنیم تا از آن خوبی به بار آید؟» در واقع عده ای افترازان گزارش کرده اند که ما چنین چیزی گفته ایم، محکومیت این اشخاص بجاست. هیچ کس در حضور خدا نیکو نیست. پس چه؟ آیا ما یهودیان از غیریهودیان وضع بهتری داریم؟ ابد، پیش از این نشان دادیم که یهودیان و غیریهودیان همه اسیر گناه هستند. چنانکه کتاب مقدس می فرماید: «حتی یک نفر نیست که کاملاً نیک باشد. کسی نیست که بفهمد یا جویای خدا باشد. همه آدمیان از خدا روی گردانیده اند، همگی از راه راست منحرف شده اند حتی یک نفر نیکوکار نیست. گلویشان مثل قبر رو باز است، زبانشان را برای فریب دادن به کار می برند و از لب هایشان سخنانی مهلک مانند زهر مار جاری است. دهانشان پر از دشنام های زننده است و پاهای شان برای خونریزی تندروست. به هر جا که می روند ویرانی و بدبختی به جا می گذارند و راه صلح و سلامتی را نشناخته اند. خداترسی به نظر ایشان نمی رسد.» ما می دانیم که روی سخن در شریعت با پیروان شریعت است تا هر دهانی بسته شود و تمام دنیا خود را نسبت به خدا ملزم و مسؤول بدانند، زیرا هیچ انسانی در نظر خدا با انجام احکام شریعت نیک شمرده نمی شود. کار شریعت این است که انسان گناه را بشناسد.

### نیکی مطلق از راه ایمان

اما اکنون نیکی مطلق خدا که تورات و انبیا بر آن شهادت داده اند به ظهور رسیده است. خدا بدون در نظر گرفتن شریعت و قطع از راه ایمان به عیسای مسیح همه ایمانداران را نیک می شمارد، زیرا هیچ تفاوتی نیست، همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند، اما با فیض خدا همه به وساطت عیسای مسیح که آنان را آزاد می سازد، بطور رایگان، نیک محسوب می شوند، زیرا خدا مسیح را به عنوان وسیله ای برای آمرزش گناهانی که با ایمان به خون او به دست می آید در مقابل چشم همه قرار داده و با این کار، خدا عدالت خود را ثابت نمود، زیرا در گذشته به سبب بردباری خود گناهان آدمیان را نادیده گرفت. تا در این زمان، عدالت خدا کاملاً به ثبوت برسد؛ یعنی ثابت شود که خدا عادل است و کسی را که به عیسی ایمان می آورد نیک می شمارد. پس بالیدن چه جا دارد؟ جایی برای آن نیست. به چه دلیل؟ آیا به دلیل انجام دادن شریعت؟ خیر، بلکه چون ایمان می آوریم، زیرا ما به یقین می دانیم که به وسیله ایمان بدون اجرای شریعت می توانیم کاملاً نیک محسوب شویم. آیا خدا فقط خدای یهودیان است؟ مگر خدای غیریهودیان هم نیست؟ البته هست. خدا یکی است و یهودیان را بر اساس ایمان و غیریهودیان را نیز از راه ایمان کاملاً نیک می سازد. آیا این به آن معنی است که با ایمان، شریعت را از میان برمی داریم؟ خیر، هرگز! بلکه آن را استوار می سازیم.

### ابراهیم ایماندار

پس در این صورت درباره جد ما ابراهیم چه بگوییم؟ اگر به وسیله اعمال خود پیش خدا نیک شمرده شده بود دلیلی برای بالیدن می داشت، اما او نمی تواند در پیشگاه خدا به خود ببالد، زیرا کتاب مقدس می فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و خدا آن ایمان را به عنوان نیکی مطلق به حساب او گذاشت.» شخصی که کار می کند مزد می گیرد و مزد او هدیه به حساب نمی آید، بلکه حق اوست که باید به او پرداخت شود و اما مردی که کار نمی کند، بلکه به خدایی که حتی شخص خدا ناشناس را کاملاً نیک می گرداند ایمان می آورد، ایمان او نیکی مطلق به حساب می آید. حضرت داوود درباره شادی شخصی که خدا بدون در نظر گرفتن اعمالش او را کاملاً نیک می سازد چنین می فرماید: «خوشا به حال آنانی که خدا خطای ایشان را بخشیده و گناهانشان را پوشیده است. خوشا به حال کسی که خداوند گناه او را به حساب نمی آورد.»

آیا این شادی تنها متعلق به آنانی است که ختنه شده اند یا همچنین به کسانی که ختنه نشده اند نیز تعلق دارد؟ چنانکه از کلام خدا نقل کردیم: «خدا ایمان ابراهیم را به عنوان نیکی مطلق به حساب او گذاشت.» در آن زمان ابراهیم در چه حالت بود؟ آیا قبل از ختنه شدن او بود یا بعد؟ البته قبل از ختنه شدن و ختنه اش علامتی بود برای اثبات این که به وسیله ایمانش، خدا او را پیش از آنکه ختنه شود کاملاً نیک شمرده بود و از اینرو ابراهیم پدر همه کسانی است که به خدا ایمان می آورند و نیک شمرده می شوند، حتی اگر مختون نباشند و همچنین پدر کسانی است که مختون هستند، نه تنها به خاطر اینکه ختنه شده اند، بلکه به خاطر این که از ایمانی که ابراهیم در وقت نامختونی داشت پیروی

## وعده های خدا و ایمان

خدا به ابراهیم و فرزندان او وعده داد که جهان از آن او خواهد بود. این وعده به علت اطاعت ابراهیم از شریعت نیست، بلکه برای این است که او ایمان آورد و ایمان او برایش نیکی مطلق محسوب شد، زیرا اگر وعده های خدا به کسانی داده شود که از شریعت پیروی می کنند دیگر ایمان آدمی بی معنی و وعده خدا بی ارزش است، زیرا شریعت، غضب الهی را موجب می شود، اما جایی که شریعت نیست تجاوز از شریعت هم وجود ندارد. پس این وعده به ایمان متکی است تا آن بر فیض خدا استوار بوده و برای تمام فرزندان ابراهیم معتبر باشد، نه تنها برای آنانی که از شریعت اطاعت می کنند، بلکه برای کسانی هم که مانند ابراهیم ایمان می آورند، زیرا ابراهیم پدر همه ماست. چنانکه کتاب مقدس می فرماید: «تو را پدر ملل بسیار ساخته ام» از اینرو این وعده در نظر خدایی که ابراهیم به او ایمان آورد معتبر است، آن خدایی که مردگان را زنده می کند و نیستی ها را هستی می بخشد. ابراهیم ایمان آورد و در آن هنگام که هیچ امیدی نبود او امیدوار گشت و از اینرو «پدر ملل بسیار» شد. همانطور که کتاب خدا می فرماید: «فرزندان تو به این اندازه کثیر خواهند شد».

ابراهیم تقریباً صد ساله بود، اما توجه به وضع بدنی خودش که تقریباً مرده بود و با توجه به اینکه سارا نمی توانست صاحب فرزندی شود ایمانش را سست نساخت و نسبت به وعده خدا شک نکرد، بلکه در حالی که خدا را حمد می گفت، ایمانش او را تقویت می نمود، زیرا اطمینان کامل داشت که خدا قادر است مطابق آنچه وعده فرموده است عمل کند. به این دلیل است که ایمان ابراهیم «به عنوان نیکی مطلق محسوب شد» کلمات «محسوب شد» تنها به خاطر او نوشته نشد، بلکه همچنین برای ما نوشته شد که باید کاملاً نیک شمرده شویم - ما به خدایی ایمان داریم که خداوند ما عیسی را پس از مرگ زنده ساخت. او به خاطر گناهانمان تسلیم مرگ گردید و زنده شد تا ما در پیشگاه خدا کاملاً نیک محسوب شویم.

## نتایج نجات

بنابراین، چون از راه ایمان در حضور خدا نیک شمرده شده ایم از صلح با خدا که به وسیله خداوند ما عیسی مسیح برقرار گردید بهره مند هستیم به وسیله ایمان به مسیح، ما وارد فیض الهی شده ایم فیضی که در آن پایداریم و نه تنها به امید شراکتی که در جلال خدا داریم شادی می کنیم، بلکه در رحمت خود نیز شاد هستیم، زیرا می دانیم که رحمت، بردباری را ایجاد می کند و بردباری موجب می شود که مورد قبول خدا شویم و این امر امید را می آفرید.

این امید هیچ وقت ما را مأیوس نمی سازد، زیرا محبت خدا به وسیله روح القدس که به ما عطا شد قلب های ما را فرا گرفته است، زیرا در آن هنگام که ما هنوز درمانده بودیم مسیح در زمانی که خدا معین کرده بود در راه بی دینان جان سپرد. به ندرت می توان کسی را یافت که حاضر باشد حتی برای یک شخص نیکو از جان خود بگذرد، اگرچه ممکن است گاهی کسی به خاطر یک دوست خیرخواه جرأت قبول مرگ را داشته باشد، اما خدا محبت خود را نسبت به ما کاملاً ثابت کرده است، زیرا در آن هنگام که ما هنوز گناهکار بودیم مسیح به خاطر ما مرد. ما که با ریختن خون او کاملاً نیک شمرده شدیم چقدر بیشتر به وسیله خود او از غضب خدا خواهیم رست! وقتی ما با خدا دشمن بودیم او با مرگ پسر خویش دشمنی ما را به دوستی تبدیل کرد، پس حالا که دوست او هستیم چقدر بیشتر زندگانی مسیح باعث نجات ما خواهد شد! نه تنها این بلکه ما به وسیله خداوند ما عیسی مسیح که ما را دوستان خدا گردانیده در خدا شادی می کنیم.

## آدم و مسیح

گناه به وسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه مرگ را به همراه آورد. در نتیجه چون همه گناه کردند مرگ همه را در بر گرفت. قبل از شریعت گناه در جهان وجود داشت، اما چون شریعتی در بین نبود گناه به حساب آدمیان گذاشته نمی شد. با وجود این باز هم مرگ بر انسان هایی که از زمان «آدم» تا زمان موسی زندگی می کردند حاکم بود حتی بر آنانی که مانند «آدم»، از فرمان خدا سرپیچی نکرده بودند. آدم نمونه آن کسی است که قرار بود بیاید، اما این دو مثل هم نیستند، زیرا بخشش الهی با گناهی که به وسیله آدم به جهان وارد شد قابل مقایسه نیست. درست است که بسیاری به خاطر گناه یک نفر مردند، اما چقدر بیشتر فیض خدا و بخششی که از فیض آدم ثانی یعنی عیسی

مسیح ناشی شده به فراوانی در دسترس بسیاری گذاشته شده است. همچنین نمی توان آن عطیه خدا را با نتایج گناه یک نفر یعنی «آدم» مقایسه کرد، زیرا در نتیجه آن نافرمانی، انسان محکوم شناخته شد، حال آنکه بخشش خدا پس از آن همه خطایا موجب تبرئه انسان گردید. به سبب نافرمانی آن یک نفر و به خاطر او مرگ بر سرنوشت بشر حاکم شد، اما چقدر نتیجه آنچه آن انسان دیگر یعنی عیسای مسیح انجام داد بزرگتر است! همه کسانی که فیض فراوان خدا و عطیه رایگان نیکی مطلق او را دریافت دارند به وسیله مسیح در زندگانی حکومت خواهند نمود. پس همانطور که یک گناه موجب محکومیت همه آدمیان شد یک عمل کاملاً نیک نیز باعث تبرئه و حیات همه می باشد و چنانکه بسیاری در نتیجه سرپیچی یک نفر، گناهکار گشتند به همان طریق بسیاری هم در نتیجه فرمانبری یک نفر کاملاً نیک محسوب خواهند شد. شریعت آمد تا گناهان را افزایش دهد، اما جایی که گناه افزایش یافت فیض خدا به مراتب بیشتر گردید پس همانطور که گناه به وسیله مرگ، انسان را تحت فرمان خود در آورد فیض خدا نیز به وسیله نیکی مطلق فرمانروایی می کند و ما را به وسیله خداوند ما عیسای مسیح به حیات جاویدان هدایت می کند.

### مرده ولی زنده

پس چه بگوییم؟ آیا باید به زندگی در گناه ادامه دهیم تا فیض خدا افزون گردد؟ به هیچ وجه! ما که نسبت به گناه مرده ایم چگونه می توانیم به زندگی در آن ادامه دهیم؟ آیا نمی دانید که وقتی ما در اتحاد با مسیح عیسی تعمید یافتیم در اتحاد با مرگ او تعمید یافتیم؟ پس با تعمید خود با او مدفون شدیم و در مرگش شریک گشتیم تا همانطوری که مسیح به وسیله قدرت پرشکوه پدر پس از مرگ زنده شد ما نیز در زندگی تازه ای بسر ببریم، زیرا اگر ما در مرگی مانند مرگ او با او یکی شدیم به همان طریق در قیامتی مثل قیامت او نیز با او یکی خواهیم بود. این را میدانیم که آن آدمی که در پیش بودیم با مسیح بر روی صلیب او کشته شد، تا نفس گناهکار نابود گردد و دیگر بردگان گناه نباشیم، زیرا کسی که مرد از گناه آزاد شده است.

اگر ما با مسیح مردیم ایمان داریم که همچنین با او خواهیم زیست، زیرا می دانیم چون مسیح پس از مرگ زنده شده است او دیگر هرگز نخواهد مرد؛ یعنی مرگ دیگر بر او تسلط نخواهد یافت. مسیح مرد و با این مرگ یک بار برای همیشه نسبت به گناه مرده است، ولی او زنده شد و دیگر برای خدا زندگی می کند. همین طور شما نیز باید خود را نسبت به گناه مرده، اما نسبت به خدا در اتحاد با مسیح عیسی زنده بدانید. دیگر نباید گناه بر بدن های فانی شما حاکم باشد و شما را مطیع هوس های خود سازد. هیچ یک از اعضای بدن خود را در اختیار گناه قرار ندهید تا برای مقاصد شریرانه به کار رود، بلکه خود را به خدا تسلیم نمایید و مانند کسانی که از مرگ به زندگی بازگشته اند تمام وجود خود را در اختیار او بگذارید تا اعضای شما برای مقاصد نیکو به کار رود، زیرا گناه نباید بر وجود شما حاکم باشد، چون شما تابع شریعت نیستید، بلکه زیر فیض خدا هستید.

### غلامان نیکی مطلق

پس چه؟ آیا چون زیر فیض خدا هستیم و نه تابع شریعت، اجازه داریم گناه کنیم؟ نه، به هیچ وجه! مگر نمی دانید که هرگاه شما خود را به عنوان برده در اختیار کسی بگذارید و مطیع او باشید شما در واقع برده آن کسی هستید که از او اطاعت می کنید، خواه بردگی از گناه باشد که نتیجه آن مرگ است و خواه اطاعت از خدا که نتیجه آن نیکی مطلق می باشد، اما خدا را شکر که اگرچه یک زمانی بردگان گناه بودید، اکنون با تمام دل از اصول تعالیمی که به شما داده شده اطاعت می کنید و از بندگی گناه آزاد شده بردگان نیکی مطلق گشته اید. به خاطر ضعف طبیعی انسانی شما به طور ساده سخن می گویم: همانطور که زمانی تمام اعضای بدن خود را برای انجام گناه به بردگی ناپاکی و شرارت سپرده بودید اکنون تمام اعضای خود را برای مقاصد مقدس به بردگی نیکی بسپارید. وقتی شما بردگان گناه بودید الزامی نداشتید از نیکی مطلق اطاعت کنید. از انجام آن اعمالی که اکنون از آنها شرم دارید چه سودی بردید؟ زیرا عاقبت آن اعمال مرگ است و اکنون از گناه آزاد گشته بردگان خدا هستید و در نتیجه آن زندگی شما در این دنیا پر از پاکی و عاقبتش حیات جاودان است، زیرا مزدی که گناه می دهد موت است، اما خدا به کسانی که با خداوند ما، مسیح عیسی متحد هستند حیات جاودان می بخشد.

### رابطه ما با شریعت

ای برادران، شما از قوانین اطلاع دارید و می دانید که انسان فقط تا زمانی که زنده است ملزم به اطاعت از قانون است. مثلاً یک زن شوهردار تا وقتی شوهرش زنده است قانوناً به او تعلق دارد، اما اگر شوهر او بمیرد، دیگر آن زن از

قانونی که او را به شوهرش مقید می‌ساخت آزاد است. از این جهت اگر آن زن در زمان حیات شوهرش با مرد دیگر زندگی کند زناکار خوانده شود، اما اگر شوهرش بمیرد دیگر این قانون شامل حال او نیست و چنانچه با مرد دیگری ازدواج کند مرتکب زنا نمی‌شود. ای برادران، شما نیز در همین وضع هستید. شما چون جزئی از بدن مسیح هستید، نسبت به شریعت مرده‌اید و اکنون به آن کسی که پس از مرگ زنده شد تعلق دارید، تا در نتیجه برای خدا ثمری بیاوریم، زیرا هنگامی که ما گرفتار طبیعت نفسانی بودیم، شهوات گناه که به وسیله شریعت برانگیخته شده بود در وجود ما کار می‌کرد و موجب مرگ ما می‌شد، اما اکنون از قید شریعت آزاد شده‌ایم، زیرا نسبت به آنچه که ما را در بردگی نگاه می‌داشت مرده‌ایم تا به نحوی تازه یعنی به وسیله روح‌القدس، خدا را خدمت کنیم نه مانند گذشته که از قوانین نوشته شده اطاعت می‌کردیم.

### جنگ طبیعت نفسانی با روح خدا

پس چه بگوییم؟ آیا شریعت گناهکار است؟ به هیچ وجه! اگر شریعت نبود من گناه را نمی‌شناختم. مثلاً اگر شریعت نگفته بود: «طمع نکن»، من هرگز نمی‌دانستم طمع کردن چیست. گناه با استفاده از این قانون هر نوع طمعکاری در زندگی من پدید آورد، زیرا گناه بدون شریعت مثل جسد بی‌جان است. خود من زمانی بی‌خبر از شریعت زنده بودم، اما همین که این حکم شریعت آمد گناه جان تازه‌ای گرفت و من مردم و شریعت که قرار بود به حیات منجر شود در مورد من مرگ به بار آورد، زیرا گناه با استفاده از آن حکم شریعت من را فریب داده کشت. بنابراین شریعت به خودی خود مقدس است و تمام احکام آن مقدس و عادلانه و نیکوست. آیا مقصود این است که چیزی نیکو موجب مرگ من شد؟ به هیچ وجه! گناه این کار را کرد تا ماهیت واقعی آن آشکار شود. گناه با استفاده از یک چیز نیکو موجب مرگ من شد تا به وسیله این حکم شریعت، پستی و شرارت بی‌حد گناه معلوم گردد. ما می‌دانیم که شریعت روحانی است، اما من نفسانی هستم و مانند برده‌ای به گناه فروخته شده‌ام.

من نمی‌دانم چه کار می‌کنم، زیرا آنچه را که دلم می‌خواهد انجام نمی‌دهم، بلکه برخلاف چیزی را که از آن تنفر دارم به عمل می‌آورم. وقتی کاری می‌کنم که نمی‌خواهم بکنم، این نشان می‌دهد که من با حقانیت شریعت موافقم. پس در واقع من آن کسی که این عمل را انجام می‌دهد نیستم، بلکه این گناه است که در من بسر می‌برد. می‌دانم که در من یعنی در طبیعت نفسانی من جایی برای نیکویی نیست، زیرا اگرچه میل به نیکویی کردن در من هست، ولی قدرت انجام آن را ندارم.

آن نیکویی را که می‌خواهم، انجام نمی‌دهم، بلکه کار بدی را که نمی‌خواهم، به عمل می‌آورم. اگر کاری را که نمی‌خواهم، انجام می‌دهم دیگر کننده آن کار من نیستم، بلکه گناه است که در من بسر می‌برد. پس به این قاعده کلی پی می‌برم که هر وقت می‌خواهم کاری نیکو انجام دهم فقط شرارت از من سر می‌زند. باطنا از شریعت خدا لذت می‌برم، ولی می‌بینم فرمان دیگری بر بدن من حاکم است که با فرمان حاکم بر ذهن من می‌جنگد و من را اسیر فرمان گناه می‌سازد؛ یعنی اعضای بدن من را مطیع خود نموده است. من چه آدم بدبختی هستم! این بدن، من را به سوی مرگ می‌کشانند. کی می‌تواند من را از دست آن آزاد سازد؟ خدا را به وسیله خداوند ما عیسی مسیح شکر می‌کنم که چنین کاری را کرده است. خلاصه در حالی که طبیعت نفسانی من بنده گناه است با عقل خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم.

### زندگی پیروزمندانه به وسیله روح خدا

پس دیگر برای کسانی که در اتحاد با مسیح عیسی بسر می‌برند هیچ محکومیتی وجود ندارد، زیرا فرمان حیات بخش روح‌القدس که در اتحاد با مسیح عیسی یافت می‌شود من را از فرمان گناه و مرگ آزاد کرده است. آنچه را که شریعت به علت ضعف طبیعت نفسانی نتوانست انجام دهد خدا انجام داد. او فرزند خود را به صورت انسان جسمانی و گناهکار و برای آمرزش گناهان بشر فرستاد و به این وسیله گناه را در ذات انسانی محکوم ساخت. خدا چنین کرد تا احکام شریعت به وسیله ما که گرفتار طبیعت نفسانی خود نیستیم، بلکه مطیع روح خدا می‌باشیم بجا آورده شود، زیرا کسانی که بر طبق خواهش‌های نفس زندگی می‌کنند همیشه در فکر چیزهای نفسانی هستند، ولی کسانی که مطیع روح خدا هستند در فکر چیزهای روحانی می‌باشند. عاقبت دلبستگی به امور نفسانی، مرگ و عاقبت پیروی از امور روحانی حیات و آرامش است، زیرا دلبستگی به امور نفسانی دشمنی با خداست. چنین شخصی از شریعت خدا اطاعت نمی‌کند و در واقع نمی‌تواند اطاعت نماید.

بنابراین انسانهای نفسانی نمی‌توانند خدا را خشنود سازند. اگر روح خدا در وجود شما ساکن است شما اشخاصی روحانی هستید، نه نفسانی. هر که روح مسیح را ندارد از آن او نیست، اما اگر مسیح در وجود شما ساکن است حتی اگر بدن شما به علت گناه محکوم به مرگ باشد، روح خدا به شما حیات می‌بخشد، چون شما کاملاً نیک محسوب شده‌اید. اگر روح خدا که مسیح را پس از مرگ زنده گردانید در وجود شما ساکن باشد همانطور که او را پس از مرگ زنده گردانید به وسیله همان روح‌القدس که در شما ساکن است به جسم فانی شما هم حیات خواهد بخشید. پس ای برادران، ما مدیونیم، اما نه به طبیعت نفسانی خود و نه به پیروی از خواهش‌های نفس، زیرا اگر مطابق طبیعت نفسانی خود زندگی کنید خواهید مرد، اما اگر به یاری روح خدا اعمال جسمانی را نابود سازید، خواهید زیست.

کسانی که به وسیله روح خدا هدایت می‌شوند فرزندان خدا هستند، زیرا آن روحی که خدا به شما داده است شما را برده نمی‌سازد و موجب ترس نمی‌شود، بلکه آن روح شما را فرزندان خدا می‌گرداند و ما به کمک این روح در پیشگاه خدا فریاد می‌کنیم: «ابا، ای پدر.» روح خدا با روح ما با هم شهادت می‌دهند که ما فرزندان خدا هستیم و اگر فرزندان او هستیم در آن صورت، وارث؛ یعنی وارث خدا و هم ارث با مسیح نیز هستیم و اگر ما در رنج مسیح شریک هستیم در جلال او نیز شریک خواهیم شد.

### جلال آینده

به عقیده من درد و رنج کنونی ما ابدًا با جلالی که در آینده برای ما ظاهر می‌شود قابل مقایسه نیست. تمامی خلقت با اشتیاق فراوان در انتظار ظهور فرزندان خدا بسر می‌برد، زیرا خلقت نه به اراده خود بلکه به خواست خدا دچار بیهودگی شد تا این امید باقی بماند که روزی خود آفرینش از قید فساد آزاد گردد و در آزادی پرشکوه فرزندان خدا سهیم شود، زیرا می‌دانیم که تمامی آفرینش تا زمان حاضر از دردی، مانند درد زایمان نالیده است. نه تنها خلقت، بلکه ما نیز که روح خدا را به عنوان اولین نمونه عطایای خدا دریافت کرده‌ایم در درون خود می‌نالیم و در انتظار آن هستیم که خدا ما را فرزندان خود بگرداند و کل بدن ما را آزاد سازد، زیرا با چنین امیدی بود که ما نجات یافتیم، اما امیدی که برآورده شده باشد دیگر امید نیست. چه کسی در انتظار چیزی است که قبلاً آن را یافته است؟

اما اگر در امید چیزی هستیم که هنوز نیافته‌ایم با صبر منتظر آن می‌شویم. به همین طریق روح خدا در عین ضعف و ناتوانی، ما را یاری می‌کند، زیرا ما هنوز نمی‌دانیم چگونه باید دعا کنیم، اما خود روح خدا با ناله‌هایی که نمی‌توان بیان کرد برای ما شفاعت می‌کند و آنکه قلبهای انسان را جستجو می‌کند از نیت روح آگاه است، چون روح‌القدس مطابق خواست خدا برای مقدسین شفاعت می‌کند. ما می‌دانیم همه چیز برای خیریت آنانی که خدا را دوست دارند و به حسب اراده او خوانده شده‌اند با هم در کارند، زیرا خدا آنانی را که از ابتدا می‌شناخت از پیش برگزید تا به شکل پسر او در آیند و تا پسر، نخستین برادر در میان برادران بسیار باشد. او کسانی را که قبلاً برگزیده بود به سوی خود خوانده است و خوانده‌شدگان را کاملاً نیک محسوب کرد و نیکان را نیز جاه و جلال بخشید.

### محبت خدا در مسیح عیسی

پس در برابر این چیزها چه بگوییم؟ اگر خدا پشتیبان ماست کیست که بر ضد ما باشد؟ آیا خدایی که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما تسلیم کرد با بخشیدن او همه چیز را با سخاوتمندی به ما نمی‌بخشد؟ کی برگزیدگان خدا را متهم خواهد کرد؟ خدا آنان را تبریه می‌نماید! پس کیست که بتواند آنان را محکوم سازد؟ مسیح عیسی کسی است که مرد و حتی دوباره زنده شد و اکنون در دست راست خدا از ما شفاعت می‌کند! پس کی می‌تواند ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا نگرانی یا زجر یا گرسنگی یا تهیدستی یا خطر و یا شمشیر قادر است ما را از مسیح جدا سازد؟ چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: «به خاطر تو در تمام روز در خطر مرگ هستیم و با ما مانند گوسفندانی که به کشتارگاه می‌رود رفتار می‌شود.» با وجود همه این چیزها، به وسیله او که ما را دوست داشت پیروزی ما کامل می‌شود، زیرا یقین داریم که نه موت و نه حیات، نه فرشتگان و نه نیروهای و قدرت‌های فوق بشری، نه پیشامدهای امروز و نه وقایع فردا، نه قدرت‌های آسمانی و نه بلندی و نه پستی و خلاصه هیچ چیز در تمام آفرینش نمی‌تواند ما را از محبتی که خدا در خداوند ما عیسای مسیح آشکار نموده جدا سازد.

### قوم برگزیده خدا

آنچه می‌گویم حقیقت است. من به مسیح تعلق دارم و دروغ نمی‌گویم. وجدان من که از روح‌القدس منور شده به من



اطمینان می‌دهد که دروغ نمی‌گوییم که در دل خود بار غم سنگینی و دلتنگی بی‌پایان دارم. آرزو می‌کردم اگر ممکن می‌شد به خاطر برادران خود یعنی قوم یهود که خویشاوندان من هستند، ملعون و از مسیح جدا شوم. آنها اسرائیلی هستند. مقام فرزندخواندگی، شراکت در جلال خدا، پیمان‌ها، شریعت، مراسم عبادت و وعده‌ها به ایشان داده شده است. اجداد قوم به ایشان تعلق دارند و مسیح هم از لحاظ اصل و نسب از نژاد آنهاست. او مافوق همه و تا ابد خدای متبارک است آمین.

مقصود این نیست که کلام خدا تحقق نیافته است، زیرا از نسل یعقوب بودن دلیل نمی‌شود که همه اسرائیلی حقیقی باشند و از نژاد ابراهیم بودن باعث نمی‌شود که همه، فرزندان او محسوب شوند، زیرا خدا به ابراهیم فرمود: «فرزندان اسحاق فرزندان تو محسوب خواهند شد؛ یعنی همه کسانی که بطور طبیعی به دنیا می‌آیند فرزندان خدا محسوب نمی‌شوند، بلکه فقط آنانی که بر طبق وعده خدا به دنیا می‌آیند فرزندان او محسوب می‌شوند. وعده‌ای که خدا داد چنین بوده: «در وقت معین من برمی‌گردم و ساره صاحب پسری خواهد بود.»

نه تنها این بلکه «رفقه» از یک نفر یعنی از جد ما اسحاق حامله شد و قبل از تولد بچه‌های توآمان او و پیش از اینکه این دو نفر عملی نیک یا بد انجام دهند به رفقه گفته شد: «برادر بزرگ خادم برادر کوچک خواهد بود» تا اینکه مقصود خدا در انتخاب یکی از این دو نفر ثابت بماند و این انتخاب مشروط به دعوت او باشد نه به اعمال انسان. چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: «یعقوب را دوست داشتم، اما از عیسو متنفر بودم» پس چه بگوییم؟ بگوییم که خدا بی‌انصاف است؟ هرگز، زیرا خدا به موسی می‌فرماید: «به هر که بخوایم رحم کنم، رحم خواهیم کرد و به هر که بخوایم دلسوزی نمایم، دلسوزی خواهیم نمود.» بنابراین به خواسته‌ها و کوشش‌های انسان بستگی ندارد، بلکه بسته به خدایی است که رحمت می‌نماید. کلام خدا به فرعون می‌فرماید: «به همین منظور تو را برانگیختم تا به وسیله تو قدرت خود را نشان دهم و اسم من در سراسر جهان انتشار یابد.» بنابراین به هر که بخواید، رحمت می‌نماید و هر که را بخواید، سرسخت می‌سازد.

### خشم خدا و رحمت او

یکی از شما به من خواهد گفت: «پس دیگر چرا خدا از ما ایراد می‌گیرد؟ زیرا کیست که بتواند با اراده او مقاومت کند؟» ای آدم، تو کیستی که به خدا جواب می‌دهی؟ آیا کوزه از کوزه گر می‌پرسد: «چرا من را به این شکل ساختی؟» مگر کوزه گر حق ندارد که از یک مشت گل، یک ظرف برای مصرف عالی و ظرف دیگر برای مصرف معمولی بسازد؟ چه می‌شود اگر خدا بخواید با صبر زیاد متحمل کسانی شود که مورد خشم او بوده و سزاوار هلاکت می‌باشند و به این وسیله هم غضب خود را نمایان سازد و هم قدرت خود را مکشوف گرداند و چه می‌شود اگر خدا بخواید عظمت جلال خود را به کسانی که مورد رحمت او هستند و قبلاً آنها را برای جلال آماده کرده بود ظاهر سازد. حتی به ما یعنی کسانی را که او نه تنها از میان قوم یهود، بلکه از میان ملت‌های غیریهود نیز خوانده است؟ چنانکه او در کتاب هوشع نبی می‌فرماید: «مردمانی را که متعلق به من نبودند قوم خود خواهیم نومید و ملتی را که مورد لطف من نبود محبوب خود خواهیم خواند و درست در همانجایی که به ایشان گفته شد: «شما قوم من نیستید، آنها پسران خدای زنده خوانده خواهند شد» و اشعیا نیز درباره اسرائیل چنین می‌گوید: «حتی اگر قوم اسرائیل به تعداد دانه‌های شن کنار دریا باشند فقط عده کمی از ایشان نجات خواهند یافت»، زیرا خداوند به طور کامل و با سرعت به حساب تمام عالم خواهد رسید و چنانکه اشعیا نبی قبلاً گفته بود: «اگر خداوند قادر مطلق فرزندانی برای ما باقی نگذاشته بود ما مانند شهر سدوم شده و شبیه شهر غموره گشته بودیم.»

### اسرائیل و انجیل

پس چه بگوییم؟ باید بگوییم که ملت‌های غیریهود که برای به دست آوردن نیکی مطلق کوشش نکردند از راه ایمان آن را به دست آوردند، حال آنکه قوم اسرائیل که پیوسته جویای شریعتی بودند تا به وسیله آن نیک محسوب شوند آن را نیافتند. چرا؟ به علت اینکه کوشش‌های ایشان از روی ایمان نبود، بلکه در اثر اعمال خودشان بود. به این ترتیب آنها از همان سنگی لغزش خوردند که کلام خدا به آن اشاره می‌کند: «بین در صهیون سنگی قرار می‌دهم که موجب لغزش مردم خواهد شد، صخره‌ای که از روی آن خواهند افتاد، ولی هر کس به او ایمان آورد خجل نخواهد شد.» ای برادران، آرزوی قلبی و استدعای من از درگاه خدا برای اسرائیل این است که ایشان نجات یابند. من می‌توانم شهادت بدهم که آنها نسبت به خدا متعصبند، اما تعصب آنان از روی معرفت نیست، زیرا راهی را که خدا به وسیله آن انسان

را در حضور خود نیک محسوب می کند نشناختند و کوشیدند راه خودشان را برای به دست آوردن نیکی مطلق درست جلوه دهند و به این دلیل تسلیم نیکی خدا نشدند، زیرا مسیح هدف و تمام کننده شریعت است برای هر که ایمان آورد و به این وسیله در حضور خدا نیک شمرده شود.

### نجات برای همه

در مورد آن نیکی که از شریعت به دست می آید موسی می نویسد: «هر که شریعت را به عمل آورد به وسیله آن زیست خواهد کرد»، اما درباره نیکی مطلق که از راه ایمان به دست می آید می گوید: «در دل خود نگویید کیست که به آسمان صعود کند؟» (تا مسیح را پایین آورد) یا: «کیست که به جهان زیرین فرو رود؟» (تا مسیح را باز از میان مردگان بیرون آورد). او می گوید: «کلام خدا (یعنی همان پیام ایمانی که ما اعلام می کنیم) نزدیک توست، آن بر لبها و در قلب تو است.» زیرا اگر با لبان خود اعتراف کنی که عیسی، خداوند است و در قلب خود ایمان آوری که خدا او را پس از مرگ زنده ساخت نجات خواهی یافت، زیرا انسان با قلب ایمان می آورد و نیک محسوب می گردد و با لبهای خود به ایمانش اعتراف می کند و نجات می یابد. کتاب مقدس می فرماید: «هر که به او ایمان آورد هرگز خجل نخواهد شد.»

پس هیچ تفاوتی میان یهودیان و غیریهودیان نیست، زیرا خدای واحد، خداوند همه است و نسبت به همه کسانی که به او روی می آورند بی اندازه بخشنده است، زیرا «هر که به خداوند روی آورد نجات خواهد یافت»، اما اگر به او ایمان نیاورده اند چگونه می توانند به او روی آورند؟ و چگونه می توانند به کسی ایمان آورند که درباره او چیزی نشنیده اند؟ و چگونه می توانند بدون حضور کسی که آن پیام را اعلام کند چیزی بشنوند؟ و آنها چگونه می توانند پیام را اعلام کنند اگر برای این کار فرستاده نشده باشند؟ چنانکه کتاب مقدس می فرماید: «چه خوش است قدمهای کسانی که بشارت می دهند»، اما همه آن بشارت را نپذیرفتند، زیرا خود اشعیا می فرماید: «خداوند چه کسی پیام ما را باور کرده است؟» پس ایمان از شنیدن پیام پدید می آید و پیام ما کلام مسیح است، اما می پرسیم: «آیا ممکن است که آنها پیام را نشنیده باشند؟ البته شنیده اند، زیرا صدای ایشان به سرتاسر جهان و سخن آنها به دور افتاده ترین نقاط دنیا رسیده است.» باز می پرسیم: آیا قوم اسرائیل این را نمی دانست؟ قبل از همه موسی می گوید: «من به وسیله کسانی که حتی قومی بشمار نمی آیند حسادت شما را برمی انگیزم و توسط قومی نادان شما را به خشم خواهم آورد» و اشعیا با جسارت بیشتر می گوید: «کسانی من را یافتند که طالب من نبودند و خود را به کسانی ظاهر ساختم که جویای من نبودند»، اما درباره قوم اسرائیل می گوید: «تمام روز با آغوش باز منتظر بازگشت این قوم نافرمان و سرکش هستم.»

### رحمت خدا نسبت به اسرائیل

پس می پرسیم: آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ به هیچ وجه! خود من اسرائیلی و فرزند ابراهیم و از خاندان بنیامین هستم. خدا قومی را که از ابتدا برگزیده بود رد نکرده است. آیا نمی دانید کتاب مقدس درباره الیاس چه می فرماید؟ وقتی الیاس علیه اسرائیل به خدا شکایت می کند می گوید: «خداوند، پیامبران تو را کشته اند و مذبوحهای تو را ویران ساخته اند و من تنها باقی مانده ام و اینک آنان قصد جان من را دارند»، اما خدا چه پاسخی به او داد؟ او فرمود: «من هفت هزار مرد که در جلوی بت «بعل» زانو نزده اند برای خود نگاه داشته ام.» پس همچنین در حال حاضر تعداد کمی که خدا بر اثر فیض خود برگزیده است وجود دارند. اگر این از فیض خداست دیگر بسته به اعمال انسانی نیست و اما اگر به اعمال انسان مربوط است دیگر فیض معنایی نخواهد داشت.

پس مقصود چیست؟ این است که قوم اسرائیل آنچه را که می طلبید نیافته است. برگزیدگان آن را یافتند و سایرین نسبت به آن بی اعتنا گردیدند، چنانکه کلام خدا می فرماید: «خدا یک حالت بی حسی به ایشان داد؛ یعنی چشمانی که نمی بیند و گوشهایی که نمی شنود و حتی تا به امروز این حالت ادامه یافته است» و داوود می گوید: «سفره آنها برای ایشان تله و دام و سنگ لغزش دهنده و عقوبت باد. چشمان آنان تار گردد تا نبینند و پشت ایشان زیر بار ابدی خم شود» از شما می پرسیم: آیا این لغزش یهودیان برای شکست کامل آنها بود؟ به هیچ وجه، بلکه تا در اثر خطای آنها نجات به غیریهودیان برسد و این باعث رشک و حسادت آنان شود. حال اگر خطای آنها موجب دولتمندی جهان و شکست ایشان موجب سعادت مندی ملل گردیده است تصور کنید این برکات چقدر بیشتر خواهد بود هرگاه تعداد یهودیان به کمال برسد!

## نجات غیریهودیان

اکنون ای غیریهودیان روی سخن من با شماست و چون خود من رسولی برای غیریهودیان هستم به مأموریت خویش افتخار می‌کنم. شاید با این روش بتوانم حسادت قوم خود را برانگیزم و از این راه بعضی از آنان را نجات دهم، زیرا اگر رد شدن آنها موجب مصالحه جهان با خدا شد برگشت آنان چه نتیجه‌ای جز رستاخیز از مردگان خواهد داشت؟ اگر اولین مشیت خمیر تقدیس شده باشد بقیه آن نیز مقدس است و اگر ریشه درخت تقدیس شده باشد شاخه‌هایش نیز مقدس می‌باشند، اما اگر بعضی از شاخه‌ها بریده شده‌اند و تو که نهال زیتون جنگلی بودی به جای آنها پیوند شدی و در ریشه و چربی زیتون شریک گردیدی به برتری خود به شاخه‌های بریده شده فخر نکن و اگر فخر می‌کنی به خاطر داشته باش که تو حامل ریشه نیستی، بلکه ریشه حامل توست، اما تو خواهی گفت: «شاخه‌ها بریده شدند تا من پیوند کردم» درست است، ولی آنها به علت بی‌ایمانی بریده شدند و تو به وسیله ایمان در آنجا می‌مانی، پس مغرور نباش، بلکه بترس، زیرا اگر خدا از بریدن شاخه‌های طبیعی خودداری نکرد از تو نیز صرف‌نظر نخواهد نمود. پس مهربانی و سختگیری خدا را فراموش نکن. او نسبت به آنانی که دور افتاده‌اند سختگیر است، اما نسبت به تو مهربان است به شرط اینکه در مهربانی او بمانی و گرنه تو نیز بریده خواهی شد. اگر یهودیان نیز در بی‌ایمانی خود پافشاری نکنند دوباره پیوند خواهند شد، زیرا خدا قادر است که آنان را دوباره پیوند نماید، زیرا اگر تو که از زیتون جنگلی بریده شدی و بطور غیرطبیعی به زیتون اهلی پیوند گردیدی، چقدر آسان‌تر است که این شاخه‌ها به درخت همجنس خود پیوند شوند.

## رحمت خدا برای همه

ای برادران برای اینکه شما گرفتار خودپسندی نشوید می‌خواهم حقیقتی را برای شما فاش سازم و آن این است که یک حالت بی‌حسی روحانی موقت قوم اسرائیل را فرا گرفته است تا آن زمانی که تعداد افراد ملل که قبلاً معین شده‌اند تکمیل گردد و بعد تمام قوم اسرائیل نجات خواهند یافت، چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: «نجات‌دهنده از صهیون خواهد آمد و بی‌دینی را از خاندان یعقوب برخواهد داشت» و در آن هنگام که گناهانشان را برطرف سازم این پیمان را با آنها خواهم بست» از لحاظ انجیل، یهودیان دشمنان خدا هستند و این به نفع شماست، اما از لحاظ انتخاب الهی به خاطر اجدادشان هنوز محبوبند، زیرا نعمت‌های خدا و دعوت او برگشت‌ناپذیر است. ای غیریهودیان، همانطور که شما زمانی نسبت به خدا نافرمان بودید، ولی اکنون به سبب نافرمانی یهودیان رحمت یافته‌اید، همچنین در حال حاضر آنها یاغی هستند تا به وسیله آن رحمتی که به شما رسیده است آنها نیز از این به بعد رحمت یابند، زیرا خدا تمام مردم را گرفتار «نافرمانی» کرده است تا بر همه ترحم فرماید. دولتمندی خدا چقدر عظیم و حکمت و معرفت او چقدر عمیق است! هدف‌های او غیرقابل درک و راه‌های او غیرقابل فهمند! زیرا «کیست که افکار خدا را درک نموده یا کیست که مشاور او بوده است»، «چه کسی چیزی به خدا تقدیم کرده است تا آن را از او پس بگیرد؟» زیرا سرچشمه و وسیله و مقصد همه چیز خداست به او تا ابد جلال باد آمین.

## زندگی جدید در مسیح

بنابراین ای برادران با توجه به این رحمت‌های الهی از شما درخواست می‌کنم بدن‌های خود را به عنوان قربانی زنده و مقدس که پسندیده خداست به او تقدیم کنید. عبادت روحانی و معقول شما همین است. همشکل این جهان نشوید، بلکه به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد تا بتوانید اراده خدا را تشخیص بدهید و آنچه را که مفید و پسندیده و کامل است بشناسید. من به عنوان کسی که فیض خدا نصیبش شده است به همه شما می‌گویم درباره خود افکار اغراق‌آمیز نداشته باشید، بلکه به نسبت ایمانی که خدا به هر یک از شما داده است خود را با اعتدال بسنجید. همانطور که در یک بدن اعضای مختلف هست و تمام اعضا یک وظیفه ندارند، ما نیز اگرچه بسیاریم، در اتحاد با مسیح همه ما یک بدن را تشکیل می‌دهیم و فرداً فرد در نسبت به هم اعضای یکدیگریم. بنابراین ما باید عطایای مختلفی را که خدا بر طبق فیض خود به ما داده است به کار ببریم، اگر عطیه ما اعلام کلام خداست باید آن را به فراخور ایمانی که داریم انجام دهیم. اگر خدمت کردن است باید خدمت کنیم. اگر تعلیم دادن است باید تعلیم بدهیم.

اگر تشویق دیگران است باید چنان کنیم. مرد بخشنده باید با سخاوت و مدیر باید پرکار باشد و شخص مهربان با خوشی خدمت خود را انجام دهد. محبت شما صمیمی و حقیقی باشد. از بدی بگریزید و به نیکی بپسیدید. یکدیگر را با محبت برادرانه دوست بدارید و هرکس به دیگری بیشتر از خود احترام نماید، با کوشش خستگی‌ناپذیر و با شوق و

ذوق خدا را خدمت کنید. امیدتان مایه شادی شما باشد و در رنج و مصیبت صابر باشید و از دعا کردن خسته نشوید. در رفع احتیاجات مقدسین شرکت نمایید و همیشه مهمان نواز باشید. برکت خدا را برای آنانی که به شما جفا می‌رسانند بخواهید، برای آنان طلب برکت کنید نه لعنت. با دلشادان شادی کنید و با ماتمیان ماتم نمایید. تبعیض قائل نشوید، مغرور نباشید و از معاشرت با حقیران خودداری نکنید و خود را از دیگران داناتر نشمارید. به هیچ کس به عوض بدی بدی نرسانید. مواظب باشید که تمام کارهای شما در پیش مردم نیکو باشد.

حتی‌الامکان تا آنجا که مربوط به شماست با همه مردم در صلح و صفا زندگی کنید. ای دوستان عزیز به هیچ وجه انتقام خود را نگیرید، بلکه آن را به مکافات الهی واگذار کنید، زیرا کتاب مقدس می‌فرماید: «خداوند می‌گوید: من مجازات می‌کنم و من جزا خواهم داد» بلکه: «اگر دشمن تو گرسنه است او را سیر کن و اگر تشنه است به او آب بده، زیرا با این کار آتش بر سر او فرو خواهی ریخت.» مغلوب بدی نشوید، بلکه بدی را با خوبی مغلوب سازید. وظیفه ما نسبت به زمامداران همه باید از اولیا امور اطاعت نمایند، زیرا بدون اجازه خدا هیچ قدرتی وجود ندارد و زمامداران فعلی را خدا منصوب کرده است. از این جهت هر که با آنها مخالفت کند با آنچه خدا برقرار کرده است مخالفت می‌کند و با این عمل خود را محکوم خواهد ساخت، زیرا فرمانروایان باعث وحشت نیکوکاران نیستند، بلکه بدکاران باید از آنها بترسند. آیا می‌خواهی از زمامداران ترسی نداشته باشی؟ در این صورت نیکی کن و او تو را خواهد ستود.

چونکه او خادم خداست و برای خیریت تو کار می‌کند، اما اگر کار نادرست انجام دهی از او هراسان باش، زیرا او بی‌سبب صاحب شمشیر نیست، بلکه خادم خداست تا غضب خدا را درمورد خطاکاران اجرا نماید. بنابراین باید از صاحبان قدرت اطاعت کنید، نه تنها به سبب غضب خدا بلکه به خاطر آسایش وجدان خود نیز و به همین سبب است که شما مالیات می‌پردازید، زیرا اولیا امور، خادمین خدا هستند و به این دلیل مشغول انجام وظایف خود می‌باشند. پس دین خود را نسبت به همه ادا کنید: مالیات را به مستحق مالیات و عوارض را به مأمور وصول عوارض بپردازید و آن کسی را که سزاوار احترام است احترام کنید و صاحبان عزت را عزیز بدارید.

### وظیفه ما نسبت به یکدیگر

هیچ چیز به کسی مقروض نباشید به جز محبت به یکدیگر. کسی که دیگران را محبت کند شریعت را بجا آورده است. همه احکام خدا: زنا نکن، قتل نکن، دزدی نکن، طمع موز و هر حکم دیگر در این حکم که «همسایه‌ات را مانند خودت دوست بدار» خلاصه شده است. کسی که همسایه خود را دوست دارد به او بدی نمی‌کند. پس محبت اجرای کامل تمام شریعت است. به علاوه شما می‌دانید که ما در چه زمانی هستیم و می‌دانید که موقع بیدار شدن از خواب رسیده است. امروز نجات ما از آن روزی که ایمان آوردیم نزدیکتر است. شب تقریباً گذشته و روز نزدیک است، پس دیگر کارهای ظلمت را مانند لباس کهنه از خود دور اندازیم و زره نور را بپوشیم. چنان رفتار کنیم که شایسته کسانی باشد که در روشنایی روز بسر می‌برند و از عیاشی و مستی و فسق و هرزگی یا نزاع و حسد پرهیزیم. خود را با عیسای مسیح خداوند مسلح سازید و دیگر در فکر ارضای خواهش‌های نفسانی خود نباشید.

### انتقاد و قضاوت

شخصی را که در ایمان ضعیف است در میان خود بپذیرید، ولی نه به منظور مباحثه درباره عقاید او. ایمان یک نفر به او اجازه می‌دهد هر غذایی را بخورد، اما کسی که ضعیف است فقط سبزیجات می‌خورد. کسی که هر غذایی را می‌خورد نباید کسی را که فقط سبزیجات می‌خورد بخوار بشمارد و همچنین شخصی پرهیزکار نباید کسی را که هر غذایی را می‌خورد محکوم سازد، زیرا خدا او را پذیرفته است. تو کیستی که درباره خادم شخص دیگری قضاوت کنی؟ اینکه آیا آن خادم در خدمت خود موفق می‌شود یا نه فقط مربوط به ارباب اوست، ولی او موفق خواهد شد، زیرا ارباب آسمانی او قادر است این کار را برای او انجام دهد.

یک نفر یک روز را از روزهای دیگر مهم‌تر می‌داند حال آنکه شخص دیگری همه را یکسان می‌شمارد. هر کس باید در عقیده خود کاملاً خاطر جمع باشد، آنکه روز معینی را بزرگ می‌شمارد برای خاطر خداوند چنین می‌کند و او که هر غذایی را می‌خورد باز برای خاطر خداوند می‌خورد، زیرا او برای خوراک خود خدا را شکر می‌کند و از طرف دیگر شخص پرهیزکار به خاطر خداوند نمی‌خورد و او نیز از خدا سپاسگزاری می‌کند. هیچ یک از ما فقط برای خود زندگی نمی‌کند و یا فقط برای خود نمی‌میرد، اگر زیست می‌کنیم برای خداوند زندگی می‌نماییم و اگر بمیریم برای خداوند

می‌میریم. پس خواه زنده و خواه مرده متعلق به خداوند هستیم، زیرا به‌همین سبب مسیح مرد و دوباره زنده شد تا خداوند مردگان و زندگان باشد. پس تو چرا درباره برادر خود قضاوت می‌کنی؟ یا چرا برادرت را تحقیر می‌نمایی؟ همه ما پیش کرسی قضاوت خدا خواهیم ایستاد، زیرا کلام خدا می‌فرماید: «خداوند می‌گوید، به حیات خودم سوگند که همه در برابر من به زانو در آمده با زبان خود خدا را ستایش خواهند نمود» پس همه ما فرد فرد باید حساب خود را به خدا پس بدهیم.

### **وظیفه ما نسبت به برادر ضعیف**

بنابراین از قضاوت کردن درباره یکدیگر خودداری کنیم و در عوض تصمیم بگیریم که وسیله لغزش یا رنجش در راه برادر خود نشوید. من می‌دانم و مخصوصاً در اثر اتحاد با عیسای خداوند یقین دارم که هیچ چیز به خودی خود ناپاک نیست، اما برای کسی که آن را ناپاک می‌داند ناپاک است و اگر برادرت به خاطر غذایی که تو می‌خوری آزرده شود دیگر از روی محبت رفتار نمی‌کنی. نگذار آنچه می‌خوری موجب هلاکت شخصی که مسیح در راه او مرد بشود و نگذارید آنچه برای شما مجاز است باعث شود که دیگران از شما بدگویی کنند، زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه شامل نیکی و آرامش و خوشی در روح‌القدس است.

هر که مسیح را به این طریق خدمت می‌کند موردپسند خدا و مقبول انسان است. پس آنچه را که موجب صلح و سازش و تقویت یکدیگر می‌شود دنبال کنیم. کار خدا را به خاطر خوردن غذا خراب نکنید. تمام خوراکی‌ها پاک هستند، اما گناه دارد اگر کسی به وسیله آنچه می‌خورد باعث لغزش شخص دیگری بشود. همچنین اگر خوردن گوشت یا شراب و یا انجام کارهای دیگر تو موجب لغزش یا رنجش برادرت شود بهتر است از آن دست بکشی. پس عقیده خود را درباره این مطلب بین خود و خدا نگاه دار. خوشا به حال کسی که وقتی کاری انجام می‌دهد وجدانش او را ملامت نمی‌کند، اما اگر با وجدان ناراحت چیزی را بخورد محکوم است، زیرا مطابق آنچه وجدانش به او می‌گوید عمل نکرده است و هر عملی که از روی اعتقاد نباشد گناه است.

### **در فکر دیگران بودن**

ما که در ایمان قوی هستیم وظیفه داریم که ناتوانی افراد ضعیف را تحمل کنیم و در فکر راحتی خود نباشیم، بلکه به خاطر خیریت و تقویت اطرافیان خود در فکر راحتی آنها باشیم، زیرا مسیح نیز در فکر راحتی خود نبود چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: «اهانت‌های آنانی که به تو اهانت می‌کردند به من رسید»، زیرا هر چه در گذشته در کتاب مقدس نوشته شد برای تعلیم ما بود تا به وسیله بردباری و دلگرمی که کلام خدا می‌بخشد امیدوار باشیم. خدایی که سرچشمه بردباری و دلگرمی است عنایت فرماید تا با پیروی از مسیح عیسی همفکر باشید و همه با هم یکدل و یک زبان خدا را که پدر خداوند ما عیسای مسیح است ستایش کنید.

### **بشارت دادن به همه**

پس همانطور که مسیح شما را پذیرفته است شما نیز یکدیگر را برای جلال خدا بپذیرید. مقصود این است که مسیح خادم قوم اسرائیل گردید تا آن وعده‌هایی را که خدا به پدران آنان داده بود تحقق بخشد و در نتیجه صداقت خدا ثابت شود و تا ملل جهان خدا را برای رحمت او تمجید نمایند، چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: «از این جهت تو را در میان ملل ستایش خواهم کرد و نام تو را با سپاسگزاری به زبان خواهم آورد» و در جای دیگر می‌فرماید: «ای ملت‌ها، با قوم او شادی کنید» و باز در جای دیگر می‌فرماید: «ای تمامی ملت‌ها خداوند را سپاس خوانید و ای تمام قوم‌ها او را حمد گوید» و اشعیا نیز می‌گوید: «ریشه یسی خواهد آمد و او برای حکومت بر ملت‌ها می‌آید و امید ملل بر او خواهد بود.» خدا که سرچشمه امید است شما را به وسیله ایمانتان چنان با شادی و آرامش کامل پر سازد که با نیروی روح‌القدس امید شما روز به روز فراوان‌تر شود.

### **مأموریت پولس**

ای برادران، خود من درمورد شما خاطرجمع هستم که سرشار از نیکی و کمال معرفت بوده و قادر به تعلیم یکدیگر هستید، اما در این نامه پاره‌ای از مطالب را با کمال جسارت به شما یادآور شدم. من به خاطر آن فیضی که خدا به من عنایت فرمود تا خدمتگزار مسیح عیسی برای ملت‌ها باشم اینطور به شما نوشتم. در خدمت انجیل خدا من وظیفه یک کاهن را دارم تا غیریهودیان را به عنوان هدیه‌ای به خدا تقدیم نمایم هدیه‌ای که به سبب تقدیس روح‌القدس مقبول

او خواهد بود. پس می‌توانم از کارهایی که برای خدا در اتحاد با مسیح عیسی انجام داده‌ام افتخار نمایم، زیرا من جرأت نمی‌کنم درباره چیزی جز آنچه مسیح به توسط من به عمل آورده است سخن بگویم، سخن من فقط درباره این است که او چگونه ملل غیریهود را به وسیله گفتار، رفتار و نیروی آیات و معجزات و با قدرت روح‌القدس تحت فرمان خود درآورده است. بطوری که من سراسر اورشلیم را تا «الیریکوم» پیموده‌ام و انجیل مسیح را همه جا منتشر کرده‌ام. هدف من همیشه این بوده است که در جاهایی که نام مسیح به گوش مردم نرسیده است بشارت دهم، مبدا بر شالوده‌ای که کسی دیگر نهاده بنا نمایم. چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: «کسانی که درباره او چیزی نشنیدند، او را خواهند دید و آنانی که از او بی‌خبرند، خواهند فهمید.»

### نقشه پولس برای دیدن مسیحیان روم

همین موضوع بارها مانع آمدن من به نزد شما شد، اما حال چون دیگر کار من در این نواحی تمام شده و همچنین سال‌ها مشتاق ملاقات شما بوده‌ام. امیدوارم در وقت سفر خود به اسپانیا از شما دیدن نمایم و پس از آنکه از شما دیدن کردم در نظر دارم با کمک شما به سفر خود ادامه دهم. در حال حاضر به خاطر کمک به مقدسین مقیم اورشلیم عازم آنجا هستم، زیرا برادران در مقدونیه و یونان چنین صلاح دانستند که به خاطر بینوایان ایماندار اورشلیم مبالغی بطور اعانه بفرستند. ایشان صلاح دانستند این کار را انجام دهند و در حقیقت آنها مدیون برادران یهودی هستند، زیرا غیریهودیان که در برکات روحانی یهودیان سهم شدند موظفند یهودیان را با برکات مادی خود خدمت کنند. بنابراین هر وقت این مأموریت را انجام دادم و مبالغی را که جمع شده است به دست آنها سپردم عازم اسپانیا خواهم شد و در سر راه از شما نیز دیدن خواهم کرد و یقین دارم که هرگاه پیش شما بیایم آمدن من با برکات فراوانی از جانب مسیح همان راه خواهد بود. ای برادران، به نام خداوند ما عیسی مسیح و آن محبتی که روح‌القدس می‌بخشد در خواست می‌کنم که با دعا‌های خود در پیشگاه خدا همکاران جدی من باشید؛ یعنی دعا کنید که من از دست بی‌ایمانان در یهودیه در امان باشم و خدمت من مورد قبول مقدسین اورشلیم واقع شود و به این وسیله به خواست خدا با خوشی به سوی شما بیایم و از حضورتان نیروی تازه‌ای بگیرم. خدا که سرچشمه آرامش است با همه شما باد، آمین.

### سلام پولس برای کلیسای روم

خواهر ما «فیبی» را که خادمه کلیسای «کنخریا» است به شما معرفی می‌کنم. تا او را در اتحاد با خداوند و آنطور که شایسته مقدسین است بپذیرید و در تمام مسایلی که احتیاج به کمک شما دارد به او کمک کنید، زیرا او از بسیاری منجمله خود من حمایت نموده است. به «پرسکلا» و «اکیلا» همکاران من در مسیح عیسی که جان خود را به خاطر من به خطر انداختند سلام برسانید، نه من تنها بلکه تمام کلیساهای غیریهود نیز از ایشان ممنون هستند. به کلیسایی که در خانه آنان تشکیل می‌شود سلام برسانید. من به دوست عزیز «اپنتس» که اولین شخصی بود که در استان آسیا به مسیح ایمان آورد نیز سلام می‌رسانم و همچنین به مریم که در میان شما زحمت زیاد کشیده است سلام برسانید و به «اندرونیکوس» و «یونیاس» هموطنان من که با من در زندان بودند سلام برسانید. آنان در میان رسولان اشخاص برجسته‌ای هستند و قبل از من مسیحی بودند. همچنین به دوست عزیزم در خداوند «امپلیاس» و به «آوربانوس» همکار من در خدمت مسیح و به «استاخیس» عزیز و به «اپلیس» مقبول مسیح و به خانواده «ارستبولس» سلام برسانید. به هموطن من «هیرودیون» و ایمانداران خانواده «نیرکسوس» و به «طریفینا» و «طریفوسا» که در کار خداوند فعال هستند و به دوست عزیزم «پرسیس» که در خدمت خداوند زحمت بسیار کشیده است و به «روفس» آن مسیحی برجسته و همچنین مادرش که نسبت به من نیز مانند یک مادر بوده است سلام برسانید. سلام من را به «اسونکرتیس»، «فلیکون»، «هرماس»، «پطروباس»، «هرمیس» و برادرانی که با آنها هستند و «فیلولیکس»، «جولیه»، «نیریاس» و خواهرش و «اولیمپاس» و همه مقدسینی که با ایشانند برسانید. با بوسه مقدسانه به یکدیگر خوش آمد بگویید. جمیع کلیساهای مسیح به شما سلام می‌رسانند.

### آخرین دستورات

ای برادران، از شما درخواست می‌کنم از آنانی که برخلاف آن تعلیمی که یافته‌اید باعث تفرقه می‌شوند و دیگران را گمان راه می‌کنند برحذر باشید و از آنان دوری کنید، زیرا چنین افراد در حقیقت بندگان خداوند ما مسیح نیستند، بلکه امیال خود را بندگی می‌کنند و مردم ساده‌لوح را با تعارف و تملق فریب می‌دهند. وفاداری شما نسبت به انجیل در نزد همه معروف است و من هم از این موضوع شادمانم، اما آرزو دارم که در نیکوکاری ورزیده و در بدی کردن بی‌تجربه باشید و خدایی که سرچشمه آرامش است به زودی شیطان را زیر پاهای

شما خواهد کوبید. فیض خداوند ما عیسای مسیح با شما باد. ۲۱ «تیموتاؤوس» همکار من به شما سلام می‌رساند و همچنین «لوسیوس» و «یاسون» و «سوسیپاطوس» هموطنان من و نیز خودم «طرتیوس» منشی پولس در نوشتن این نامه به شما درود مسیحی می‌فرستم. «قایوس» میزبان من که میزبان تمام کلیسا هم هست و نیز «ارسطس» خزانه‌دار شهر و برادر ما «کوارطس» به شما سلام می‌رسانند. فیض خداوند ما عیسای مسیح با همه شما باد. آمین.

### **دعای شکر گزاری**

اکنون به او که قادر است مطابق مژده‌ای که من اعلام می‌کنم؛ یعنی پیام مربوط به عیسای مسیح و بر طبق افشای آن حقیقت پنهانی که قرن‌های دراز مخفی بود و در حال حاضر مکشوف شده و به وسیله نوشته‌های انبیا به حکم خدای جاودان به تمام ملت‌های جهان آشکار گردید تا آنها ایمان آورند و اطاعت نمایند به او که قادر است شما را قوی و استوار سازد به آن خدایی که دانای یکتاست به وساطت عیسای مسیح پیوسته تا ابد جلال باد آمین.